

فلسفه و منطق

۱-گزینه «۴» - سقراط بیان کرد که اگر سروش معبد دلفی از من به عنوان دانا یاد می‌کند فقط به این خاطر است که بگوید: «داناترین شما آدمیان، کسی است که مانند سقراط بداند که هیچ نمی‌داند». سقراط معتقد بود که انسان اموری را نمی‌داند و باید نسبت به نادانی خود آگاه باشد و از دیگران سؤال کند که بدانند. (چهل ساده)

(نیک‌محتشم)(پایه یازدهم - درس پنجم - زندگی براساس اندیشه - صفحه ۴۰) (آسان)

۲-گزینه «۴» - این فرد پس از مواجه با روشنایی باز به سایه‌ها پناه خواهد برد، زیرا آن‌ها را بهتر می‌توانست ببیند بنابراین عقیده‌اش هم نسبت به سایه‌ها استوارتر خواهد شد. (علت رد گزینه «۱») او به اطرافیان می‌گوید این سایه‌ها حقیقی نیستند، اما همه حرف او را خنده‌دار خواهند یافت. آن‌ها به یکدیگر می‌گویند او از غار بیرون رفت و با از دست دادن بینایی‌اش بازگشت. بنابراین او نمی‌تواند غیرحقیقی بودن عالم درون غار را اثبات نماید. (رد گزینه «۲»)

این شخص پس از مدتی خواهد توانست آن نوری که عامل شناخت اشیاء است ببیند و بداند تا اندازه‌ای خورشید عامل هر چیزی است که او و دوستانش در زندان به دیدن آن‌ها عادت کرده بودند. (رد گزینه «۳»)

هنگامی که این فرد به طور کامل در معرض نور قرار می‌گیرد چنان رنج عظیمی به او تحمیل می‌شود که توانایی تحمل آن را از دست خواهد داد و نخواهد توانست هیچ‌یک از اشیای حقیقی را ببیند و بشناسد.

(نیک‌محتشم)(پایه یازدهم - درس سوم - فلسفه و زندگی - صفحه ۲۵) (متوسط)

۳-گزینه «۲» - تعیین دقیق آغاز تاریخی فلسفه اصلاً ممکن نیست. نه اینکه دشوار باشد و اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی‌تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد. ما تنها می‌توانیم براساس آثار باقی‌مانده گزارشی از دورترین اندیشه‌های فلسفی ارائه کنیم. قطعاً دستیابی به نزدیک‌ترین اندیشه‌های فلسفی برای ما فراهم است. (رد گزینه «۱») آثار تمدنی تمدن‌های قبل از یونان باستان مانند اوپانیشادها و گاتاها به صورت مکتوب بوده‌اند. درست است که دسترسی به آغاز زمانی و مکانی فلسفه به معنای عام ممکن نیست اما دانش فلسفه به معنای دانش خاص امروزی در یونان شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد. (نیک‌محتشم)(پایه یازدهم - درس چهارم - آغاز تاریخی فلسفه - صفحه ۲۹) (دشوار)

۴-گزینه «۱» - سقراط گفت: خداوند مرا مأمور کرده تا در جست‌وجوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم. (نیک‌محتشم)(پایه یازدهم - درس پنجم - زندگی براساس اندیشه - صفحه ۴۱) (متوسط)

۵-گزینه «۴» - پارمنیدس معتقد بوده که هستی یک امر واحد است و حرکت و شدن ندارد. او می‌گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی‌توان گفت: «نستی هست» زیرا این جمله تناقض‌آمیز است. ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه‌رو هستیم. بنابراین جهان همان‌گونه است که بوده و همین‌گونه نیز خواهد ماند.

علت نادرستی گزینه «۱»: سقراط در جوانی او را ملاقات کرده است نه وی سقراط را.

علت نادرستی گزینه «۲»: او فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید خود پرداخته است.

علت نادرستی گزینه «۳»: او نخستین بار به مفاهیم بودن و شدن توجه ویژه و دقیق کرده و تفاوت آن را ذکر کرده است نه این که آن‌ها را مطرح کرده باشد.

(نیک‌محتشم)(پایه یازدهم - درس چهارم - آغاز تاریخی فلسفه - صفحه ۳۲) (دشوار)

۶-گزینه «۴» - سه گزینه اول ویژگی‌های شناخت را بیان می‌کنند. گزینه «۱» توانایی شناخت انسان، گزینه «۲» تدریجی بودن شناخت و گزینه «۳» خطاپذیر بودن شناخت را مطرح می‌کنند. اما گزینه «۴» به عدم توانایی انسان در شناخت به طور مطلق اشاره دارد. (شکاکیت مطلق) (نیک‌محتشم)(پایه یازدهم - درس ششم - امکان شناخت - صفحه ۴۵) (متوسط)

۷-گزینه «۳» - این که کفه ترازوی وجود و عدم در یک مفهوم به نفع وجود سنگین شود گویای این است که آن مفهوم واجب‌الوجود بالغیر شده چون در ذات خود ممکن‌الوجود بوده است و به واسطه علت این حالت تساوی بر هم می‌خورد و کفه وجودی سنگین‌تر می‌شود.

علت رد گزینه «۱»: کاملاً بر عکس، آن مفهوم واجب‌الوجود شده چون ماهیتاً ممکن‌الوجود بوده است.

علت رد گزینه‌های «۲» و «۴»: بین وجود و عدم اصل علت برقرار نمی‌شود و همواره اصل علت بین علت و معلول برقرار است و در اینجا بین طرف وجودی و علت رابطه علت برقرار است نه بین دو کفه ترازو.

(نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - صفحه ۱۷) (متوسط)

۸-گزینه «۲» - هر چهار عبارت نادرست است.

علت نادرستی عبارت اول: ابن‌سینا که فیلسوفی مسلمان است بر عدم درک رابطه علت از طریق حس و تجربه معتقد بوده است.

علت نادرستی عبارت دوم: دکارت معتقد بود علت اصلی فطری است و اصل علت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید.

علت نادرستی عبارت سوم: هیوم فیلسوفی تجربه‌گرا است و او درک علت از طریق حس را ناممکن می‌دانست چون معتقد بود حس فقط می‌تواند امور ظاهری مثل شکل، رنگ، اجسام و اموری از این قبیل را نشان دهد نه چیزی مانند علت که با حس قابل رویت نیست.

علت نادرستی عبارت چهارم: فلاسفه اسلامی در درک علت حوادث طبیعی حس و تجربه را معتبر می‌دانند. (نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - ترکیبی) (دشوار)

۹-گزینه «۴» - قضیه «موجود دارای علت است» قضیه‌ای است امکانی زیرا موجود می‌تواند دارای علت باشد (مثل انسان، میز و) و می‌تواند دارای علت نباشد (مثل خداوند) در گزینه «۴» هم حمل عدد اول بر عدد زوج امکانی است زیرا عدد زوج می‌تواند عدد اول باشد (عدد ۲) بنابراین هر دو قضیه امکانی هستند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: قضیه امتناعی

گزینه «۲»: قضیه ضروری

گزینه «۳»: قضیه ضروری (نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس دوم - جهان ممکنات - صفحه ۱۰) (دشوار)

۱۰-گزینه «۲» - تصور نوزادی با شش دست عقلاً محال نیست. بنابراین ممکن است روزی به وجود بیاید و شاید تا الان هم به وجود آمده باشد و چون در صورت سوال نوع ماهیت خواسته شده بنابراین گزینه «۲» صحیح است.

(نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس دوم - جهان ممکنات - صفحه ۱۱) (متوسط)

۱۱-گزینه «۳» - متنتع‌الوجود یا مفهومی است که حمل وجود بر آن عقلاً محال است (متنتع‌الوجود بالذات) و یا تا زمان به وجود آمدن علت محال است. (متنتع‌الوجود بالغیر) صورت سوال بیان نکرده که منظور کدام نوع متنتع‌الوجود مد نظر است. ممکن‌الوجودهایی که هنوز از حالت امکانی خارج نشده و علت به وجود آمدنشان فراهم نشده متنتع‌الوجود بالغیر محسوب می‌شوند. این مفاهیم قابل تصور هستند. (رد گزینه «۱»)

گزینه «۲» نیز به متنتع‌الوجود بالذات اشاره دارد و گزینه «۴» به ممکن‌الوجود و رابطه امکانی اشاره دارد. بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

(نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس دوم - جهان ممکنات - صفحه ۱۲) (متوسط)

۱۲-گزینه «۴» - برخی از واجب‌الوجودها ذاتاً ممکن‌الوجودهایی هستند که با فراهم شدن علت موجود شده‌اند مثل درخت، انسان و اما خداوند که واجب‌الوجود بالذات است ممکن‌الوجود نیست. برخی از ممکن‌الوجودها هم واجب‌الوجود هستند (موجوداتی که به وجود آمده‌اند) اما برخی از ممکن‌الوجودها هنوز موجود نشده‌اند و واجب‌الوجود نیستند بنابراین هر کدام از جهتی اعم و از جهتی اخص هستند و نسبت بین آن‌ها عموم و خصوص من‌وجه است. (نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس دوم - جهان ممکنات - صفحه ۱۲) (متوسط)

۱۳-گزینه «۲» - براساس امتناع ترجیح بلا مرجح محال است حالت تساوی دو کفه ترازو خود به خود و بدون هیچ علتی بهم بخورد و یک کفه به کفه دیگر سنگینی کند و به سمت پایین حرکت نماید و اصل امتناع اجتماع نقیضین از اصل امتناع ترجیح بلا مرجح حاصل می‌شود. (نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - صفحه ۱۷) (متوسط)

۱۴-گزینه «۳» - معلول همواره برای شکل‌گیری نیازمند وجود علت است و تا علت نباشد معلولی پدید نمی‌آید.

علت رد گزینه «۱»: رابطه علت رابطه‌ای است وجودی که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد نه این که هر دو طرف وجود داشته باشند و بعداً رابطه علت بین آن‌ها شکل بگیرد.

علت رد گزینه «۲»: اساسی‌ترین عقیده فلسفی مغایرت وجود و ماهیت است و اصل علت کهن‌ترین مسئله فلسفی است.

علت رد گزینه «۴»: علت به وجود آورنده معلول است و چه saja علت از بین برود و معلول باقی بماند. بنابراین بقای معلول متوقف بر وجود علت نیست.

(نیک‌محتشم)(پایه یازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - صفحه ۱۴) (متوسط)

۱۵-گزینه «۱» - بیت داده شده به نظم جهان و در نتیجه اصل سنخیت اشاره دارد. گزینه «۱» نیز اشاره به اصل سنخیت دارد. چرا که در اصل سنخیت هر معلول از علت خاصی صادر می‌شود. علت رد سایر گزینه‌ها:

علت رد گزینه «۲»: به اصل وجوب علی و معلولی اشاره دارد.

علت رد گزینه «۳»: جمله کاملاً نادرست است.

علت رد گزینه «۴»: جمله صحیح است اما ربطی به بیت داده شده ندارد.

(نیک‌محتشم)(پایه دوازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - صفحه ۱۷) (متوسط)

۱۶-گزینه «۴» - وقتی می‌گوییم پدیده‌ای وجوب‌بالغیر دارد یعنی علت تا به طور کامل فراهم بود و در عالم خارج محقق شده است. علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: غذای در حال پخت هنوز به مرحله تکمیل نرسیده و زمانی که پخت آن کامل شود معلول محقق خواهد شد و از حالت امکان ذاتی به وجوب بالغیر خواهد رسید.

گزینه «۲»: چون بذر هنوز کاشته نشده وجوب‌بالغیر در کار نیست و بذر امکان ذاتی دارد.

گزینه «۳»: خاکستر هنوز ایجاد نشده بنابراین امکان ذاتی دارد.

(سراسری با تغییر)(پایه دوازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - صفحه ۲۰) (متوسط)

۱۷-گزینه «۱» - براساس اصل سنخیت در این مثال یک علت خاص سبب ایجاد یک معلول خاص خواهد بود. بنابراین پزشک می‌خواهد یک رخداد را پیش‌بینی کند و مانع آن شود. (نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - صفحه ۲۰) (متوسط)

۱۸-گزینه «۱» - شناخت تجربی به عنوان روش علمی برای شناسایی جهان طبیعت بر چند قاعده عقلی مهم نیز استوار است و دانشمندان در هنگام بررسی داده‌های حسی آن قاعده‌ها را در نظر می‌گیرند و از آن بهره می‌برند. برخی از این قواعد عبارتند از: علیت، سنخیت و یکسان عمل کردن طبیعت.

علت رد گزینه «۲»: همه شناخت‌ها دچار خطا می‌شوند و خطای خود را خودشان با همکاری عقل تشخیص و اصلاح می‌کند.

علت رد گزینه «۳»: ابزار شناخت اشیای پیرامون و شناسایی تفاوت‌های آن‌ها حواس است ولی برای استفاده از آن عقل هم باید نقش‌آفرینی کند. زیرا عقل است که تشخیص می‌دهد کدام شی برای چه کاربردی مناسب است.

علت رد گزینه «۴»: حواس ابزار شناخت حسی است ولی تهذیب نفس ابزار شناخت شهودی نیست بلکه فعالیت اختیاری انسان برای زمینه‌سازی آن است. ابزار شناخت شهودی قلب است. (سراسری یا تغییر) (پایه یازدهم - درس هفتم - ابزار شناخت - صفحه ۵۱ تا ۵۵) (دشوار)

۱۹-گزینه «۱» - هیوم می‌گوید تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده‌ها نیست نه این که خود تعاقب و پشت هم آمدن حوادث علت باشد.

گزینه «۴»: تعریف تداعی است نه علت.

(نیک‌محتشم) (پایه دوازدهم - درس سوم - جهان علی و معلولی - صفحه ۱۶) (متوسط)

۲۰-گزینه «۱» - درست است که حواس دچار خطا می‌شوند اما پی‌بردن به اشتباه و تصحیح آن نیز از طریق خود حس انجام می‌گیرد. بنابراین حس ابزاری است که برای انسان قابل اعتماد است و به حدی برای انسان معتبر است که بر پایه آن زندگی می‌کند و نیازهایش را برطرف می‌سازد. (نیک‌محتشم) (پایه یازدهم - درس هفتم - ابزارهای شناخت - صفحه ۵۱) (متوسط)